



تعلیم و تربیت اسلامی؛ معرفتی ریشه‌دار/ از کجا باید آغاز کرد؟

پرونده ای شامل سه مصاحبه، سه یادداشت و سه گزارش با محوریت «تعلیم و تربیت اسلامی» توسط تارنمای «طلیعه» تهیه شده است.

پرونده ای شامل سه مصاحبه، سه یادداشت و سه گزارش با محوریت «تعلیم و تربیت اسلامی» توسط تارنمای «طلیعه» تهیه شده است.

به گزارش خبرنگار مهر، زهرا مینائی، دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، در یادداشت دبیر پرونده «تعلیم و تربیت اسلامی» می نویسد: با وجود راه پریچ و خم اسلامی کردن علوم انسانی و تجربی ای چون جامعه شناسی، تعلیم و تربیت یکی از غنی ترین معرفت‌هایی است که ریشه در فرهنگ ما دارد. به دلیل کثرت منابع اسلامی در دو بخش قرآن، روایات و سیره و همچنین فلسفه اسلامی، ظرفیت گشوده‌ای برای پاسخ به سوالات بنیادین امروزی از طریق این منابع در علم تعلیم و تربیت وجود دارد. علوم جدید انسانی با تأکید بر روش تجربی شکل گرفته اند. با شوریدن انسان بر علیه بت‌های قرون وسطایی، دوره جدیدی در تاریخ بشر رقم خورد که منجر به ظهور معرفت جدیدی شد. رنسانس، جنبش رفرم دینی، انقلاب‌های سیاسی، انقلاب صنعتی، عصر روشنگری و پدیده‌هایی از این دست در غرب، منجر به ایجاد شکل جدیدی از معرفت، یعنی علوم تجربی پوزیتیویستی شد. بدین ترتیب علوم تجربی به عنوان قابل اطمینان ترین مسیر سلطه بر طبیعت و سعادت آدمی شناخته شد.

علوم انسانی با قرار دادن پای خود بر جای پای علوم تجربی، سعی کرد همان مسیر را طی کند و روش خود را مطابق با روش علوم تجربی قرار دهد؛ یعنی تجربه و آزمایش. روش علمی که ترکیبی از روش قیاسی و استقرایی بود، به عنوان مناط صدق واقع، برگزیده شد و با این روش بود که اولین علوم انسانی تجربی از جمله روان شناسی، جامعه شناسی، مردم شناسی یا انسان شناسی، علوم سیاسی و علوم تربیتی صورت بندی گردید.

در جامعه ما کارآمدی یا عدم کارآمدی علوم تجربی با چالش مواجه شده است. انتشار علوم انسانی تجربی از خاستگاه خود به دیگر کشورها، حاصل عصر جدید ارتباطات و جهانی شدن است. در این عصر، اطلاعات با سرعتی باورنکردنی از اقصا نقاط کره زمین به دیگر قسمت‌ها مخابره می شود. علم نیز به عنوان شکلی از اطلاعات و دانش، روز به روز شاخ و برگ خود را در کشور ما گسترده تر می کند.

در این میان به نظر می رسد در باب کارآمدی یا عدم کارآمدی علوم انسانی تجربی در میان صاحب‌نظران، اختلاف نظر وجود دارد. برخی صاحب‌نظران علوم انسانی، این علوم را برای حل مسائل امروز جامعه ما به شکل بومی، ناکارآمد قلمداد می‌کنند. علوم تربیتی بدون داشتن پشتوانه نظری اسلامی، قادر به پاسخگویی به مسائل آموزش و پرورش رسمی و غیر رسمی ما نخواهد بود. علوم تربیتی نیز به عنوان علم انسانی تجربی، از روش تجربی پیروی می‌کند و محتوای خود را از خاستگاه آن می گیرد. با این حال پاسخ گویی یا عدم پاسخگویی این علم به مسائل و سوالات بومی جامعه و فرهنگ ما، به عنوان یک امر چالش برانگیز مطرح است. سؤالاتی از جمله اینکه هدف از تربیت اسلامی چه باید باشد؟ انسان از دیدگاه اسلام چه ابعادی دارد؟ ارتباط انسان و جهان چگونه است؟ ارزش‌هایی که در جامعه اسلامی باید نهادینه گردد چیست؟ جایگاه و حدود عقل چیست؟ و غیره.

تأسیس رشته‌های آکادمیکی چون فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی برای پاسخگویی به این نیاز معرفتی جامعه شکل گرفته است. این رشته با وجود تفاوتی که با تعلیم و تربیت اسلامی دارد، مبانی و بنیان آن را می سازد و ما را در جهت نیل به تصویری کلی از تربیت اسلامی، یاری می دهد. در این میان آن‌چه امکان تأسیس چنین رشته ای را ایجاد می کند وجود دو منبع غنی جهت استفاده در آن است.

وجود ذخیره گران‌بهای روایات و احادیث و سیره معصومین و همچنین کلام وحی اولین منبعی است که در جهت ترسیم تعلیم و تربیت اسلامی یاری می‌رساند. علاوه بر این فلسفه اسلامی و منابع گران‌سنگ اندیشمندان مسلمان، به عنوان منبعی دیگر حائز اهمیت است. بدین ترتیب تعلیم و تربیت در مقایسه با سایر علوم انسانی تجربی، منابع غنی تری جهت استفاده دارد.

با توضیحاتی که در مقدمه ذکر آن رفت، نیاز به معرفی و بحث و بررسی پرونده ای با رویکرد تعلیم و تربیت اسلامی و تشریح منابع مورد استفاده در این معرفت به چشم می خورد. بنابراین گردآوری پرونده ای با محوریت «تعلیم و تربیت اسلامی» با این دغدغه از سوی مسئولان تارنمای «طلیعه» شکل گرفته است. هدف کلی‌ای که این پرونده دنبال می کند آشنایی اجمالی مخاطبان با تعلیم و تربیت اسلامی از طریق بیان ظرفیت منابع اسلامی و چالش‌های پیش‌روی تعلیم و تربیت اسلامی و معرفی برخی منابع موجود در این حوزه است.

آن‌چه در این پرونده می خوانید شامل سه مصاحبه، سه یادداشت و سه گزارش است. بیان ظرفیت‌های منابع اسلامی در گفتگو با دو صاحب‌نظر به نام این حوزه معرفتی بررسی شده است. مصاحبه ای تحت عنوان «محتوای غنی تربیت اسلامی نیازمند

ابتکار در روش‌شناسی است» با دکتر دیالمه عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق(ع) و از اساتید برجستهٔ تعلیم و تربیت اسلامی صورت گرفته است که در آن جایگاه متون دینی و چگونگی استفاده از آن‌ها در تربیت اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است. این مصاحبه توسط سارا طوسیان دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت تدوین گشته است.

همچنین گفت‌وگویی تحت عنوان «ناگفته‌های اصول تربیتی امروز را باید در نهج البلاغه جست» با دکتر شرفی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران توسط داوود حسین‌پور دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت انجام شده است. در این مصاحبه دکتر شرفی به بیان ابعاد و ظرفیت‌های کتاب غنی نهج‌البلاغه و پژوهش‌های انجام شده و خلاءهای پژوهشی موجود در استفاده از این منبع، می‌پردازد.

گفت‌وگویی دیگری با دکتر ایروانی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران تحت عنوان «نظریه‌هایی فقط برای نظر، علوم انسانی را فراگرفته است!» توسط زکیه جهان‌دیده کارشناس ارشد فلسفه تعلیم و تربیت در این پرونده جای دارد که به بررسی یکی از چالش‌های موجود در علوم تربیتی یعنی شکاف نظریه و عمل می‌پردازد. در این مصاحبه دکتر ایروانی درباره شکاف نظریه و عمل در تعلیم و تربیت و راه حل نزدیک‌کردن این دو حیطه به بحث می‌پردازد.

گزارشی با عنوان اصلی «دویی صورت نمی‌بندد» با قلم حبیب رحیم پور ازغدی، چالش دیگری در تعلیم و تربیت اسلامی، یعنی سکولاریسم تربیتی را مورد بررسی قرار می‌دهد. این گزارش در دو قسمت و با نام «دارالفنون؛ نقطه آغاز تربیت سکولار در ایران» در این پرونده منتشر شده است. گزارش مذکور به صورت‌بندی آراء نظریه‌پرداز صاحب نظر، دکتر جمیله علم‌الهدی پرداخته و بر اساس گفته‌ها و نوشته‌های دکتر علم‌الهدی، تقریری یک‌پارچه از رویکرد ایشان در رابطه با نسبت میان «سکولاریزم» و «تربیت» به دست می‌دهد.

از دیگر مطالب این پرونده که چالش‌های پیش‌روی تعلیم و تربیت را بیان می‌کند سه یادداشت از دانشجویان ارشد و دکتری فلسفه تعلیم و تربیت است. یادداشت «برنامه درسی پنهان، مجرای لیبرالیسم!؟» به نگارش مریم جامه‌بزرگی، کارشناس ارشد فلسفه تعلیم و تربیت به بیان نقش نهادی آموزش و پرورش در اشاعهٔ فرهنگ لیبرالیستی به صورت پنهانی و غیرمستقیم می‌پردازد. یادداشت دیگری تحت عنوان «علم مدرن چگونه باعث بی‌معنایی زندگی می‌شود» به قلم الهام صباحی، کارشناس ارشد فلسفه تعلیم و تربیت بر جنبهٔ دیگری از سکولاریسم تربیتی تاکید می‌کند.

این یادداشت بیان می‌کند که کسب تجربه آموزشی در کنار ویژگی‌های خاص علم زمینه‌ساز شکل‌گیری عواملی می‌شود که به احساس بی‌معنایی در زندگی منجر می‌گردد. یادداشت دیگری با عنوان «تأملی بر امکان‌های تربیتی رسانه‌ها» با نویسندگی علی خواجه جوزم، کارشناس ارشد فلسفه تعلیم و تربیت به بیان نسبت رسانه و تربیت می‌پردازد.

در پایان جهت معرفی منبعی در تعلیم و تربیت اسلامی گزارشی از کتاب نظریهٔ تعلیم و تربیت اسلام خانم دکتر علم‌الهدی آمده است. این گزارش تحت عنوان «معرفی کتاب نظریه اسلامی تعلیم و تربیت، دکتر علم‌الهدی» به قلم داوود حسین‌پور دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت نوشته شده و به تفصیل و تفسیر به معرفی این کتاب پرداخته است.